



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۱۱/۱۷

عبدالباری جهانی

## رفع یک اشتباه و غلط مشهور تاریخی

دیروز پنجشنبه در سایت آریانا افغانستان مضمونی بقلم دکتر صاحب عبدالقیوم کوچی را، تحت عنوان ظلم و جفای زمامداران امریکا با مردم افغانستان، مطالعه نمودم. در ضمن خواندن مضمون فوق الذکر متوجه همان اشتباهاتی شدم که از سالیان دراز در ذهن مردم افغانستان جای گرفته و آن اینکه امریکا در بدل کمک های اقتصادی از افغانستان خواهان اشتراک این کشور در پکت نظامی بغداد بود که دو همسایه افغانستان یعنی ایران و پاکستان اعضای آن سازمان نظامی بودند ولی افغانستان نظر به موقعیت خاص جیوپولیتیکی خود نمی خواست با یک ابر قدرت جهانی طرف قرار بگیرد. بنا براین اصل زمامداران افغانستان شمولیت در پکت های نظامی را رد نموده و به سیاست عدم انسلاک ادامه دادند... ختم نقل قول.

این اشتباه از کتاب مورخ مشهور امریکایی لويس دوپری نشأت نموده و متأسفانه اکثر بل اکثریت مطلق منورین افغان و شاگردان تاریخ به همین عقیده هستند. دوپری در این زمینه مینگارد «حکومت داوود رسماً اعلان نمود که امریکایی ها به خاطر از دادن کمک های نظامی به افغانستان ابا ورزید که افغانها نمیخواستند، برای شمول به پکت بغداد، توافق دوجانبه امنیتی را امضاء نمایند. ولی دیپلمات های امریکایی که در صحنه حاضر بودند میگویند که بعضی از نظامیان افغانستان میخواستند که افغانستان در پکت نظامی شامل شوند ولی در مقابل از امریکا میخواستند که در صورت حمله روسها بر افغانستان امنیت آن کشور را تضمین کنند... پلانگذاران نظامی امریکا از دادن چنین تضمینی ابا ورزیدند و بعضی به این عقیده هستند که حکومت افغانستان رد نمودن کمک های نظامی امریکا را برای بدست آوردن کمک های نظامی از روسها بهانه قرار دادند. « Dupree, Afghanistan PP 510-511

لیون پولادا و لایلا پولادا در باره این مسله مینویسند: « در همان وقت یک افسانه جاری شد و آن اینکه افغانها با طلب نمودن کمکهای نظامی از امریکا این درخواست را ضمیمه ساخته بودند که ایالات متحده امنیت آن کشور را تضمین نمایند. در حالیکه برای تایید چنین ادعایی هیچ سندی وجود ندارد. ولی با وجود این هم این آوازه شدت گرفت و همه باور نمودند. این افسانه شاید از اندیشه رهبران نظامی امریکا نشأت نموده باشد که فکر میکردند اگر ما با افغانستان همکاری نظامی نماییم بایست در صورت حمله اتحاد شوروی بر افغانستان از آن کشور دفاع کنیم. نظامی های امریکا فکر نمیکردند که در صورت حمله اتحاد شوروی از افغانستان دفاع کرده بتوانند؛ زیرا افغانستان، از لحاظ جغرافیایی، با اتحاد شوروی بسیار نزدیک است. مگر افغانها هیچ وقت از امریکاییها درخواست چنین تضمینی را ننموده اند» Poullada. The Kingdom of Afghanistan and the United States P 150

به ارتباط همین موضوع، در حاشیه شماره ۱۳ فصل نهم این کتاب آمده است: « وقتی پولادا در سال ۱۹۵۳ به سفارت امریکا در کابل وظیفه داشت در این باره تحقیقاتی بعمل آورد که امریکا چرا از دادن کمک های نظامی به افغانستان انکار ورزید؟ چندین مامور نظامی به او گفت که افغانها در بدل دریافت کمک های نظامی امریکا ازین کشور طالب تضمین امنیت شدند. این موضوع در حلقات حکومتی امریکا بحیث یک حقیقت قبول شده بود. نویسنده ها و علماء در حصه پراکندن این شایعه کمک نمودند ( که متأسفانه پولادا هم یکی از آنها بود) و این شایعه بحیث حقیقت قبول شد. در حقیقت هیچ شواهدی وجود ندارد که دال بر چنین درخواستی بوده باشد. Ibid P158

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

نویسنده و ژورنالیست مشهور جیفری رابرتس مینویسد که درین زمینه هیچ شواهدی وجود ندارد مبنی بر اینکه حکومت امریکا گاهی به افغانستان پیشنهاد موافقتنامه دوجانبه دفاعی نموده باشد. رابرتس به این عقیده است که انتقاد نمودن موافقتنامه های پاکستان با امریکا، از طرف افغانستان، به مفهوم این نیست که افغانستان نمی خواست با پیمان های غرب ببیوندد. برعکس افغانها هیچ وقت مخالف تقویه شدن جنوب غرب اسیا نبوده است. در حقیقت افغانستان در سال ۱۹۳۷ در پکت بغداد که بنام پکت سعدآباد یاد میشد شامل شد، ولی آن پکت دوام ننمود.

### Roberts. The Origins of Conflicts in Afghanistan P185

داکتر قیوم کوچی در ادامه همین موضوع مینویسد «... داوود خان با بازگشت به میهن در صدد برقراری روابط گسترده با روسیه شوروی افتاد و نخستین قرضه اتحاد شوروی را که معادل یک میلیون و ۲۰ هزار دالر (در حقیقت بیش از صد میلیون دالر، جهانی) میشد پذیرف و در عین زمان روسها حاضر گردیدند قشون ملی افغانستان را با سلاح های پیشرفته تجهیز نمایند. مقامات دولت اتحاد شوروی حاضر شدند به هزاران جوان افغان در رشته های گوناگون از جمله امور نظامی سکالرشپ داده و آموزش و رشد آنان را در کشور خود فراهم نماید. بنظر این نویسنده پناه بردن افغانستان بدامن روسیه شوروی بزرگترین خبط و اشتباه داوود خان بود که عواقب زلت بار و خونبار تاریخی را به مردم به ارمغان آورد و تا امروز ادامه دارد و مردم مظلوم و ستم کشیده افغانستان از ان رنج میکشد....»

عمر سردار داوود خان در سیاست سپری گشت و بالاخره قربانی سیاست شد. کسیکه نیم قرن در میدان سیاست باشد حتماً باید اشتباهاتی نموده باشد. ولی در زمینه قایم نمودن روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با جهان غرب آخرین تلاشهای خود را نمود و لی در نتیجه چنان عکس العمل منفی و توهین آمیز جهان غرب، بخصوص ایالات متحده، مواجه گشت که برداشت آن برای هر کسی، که دارای غرور انسانی و ملی باشد، غیر ممکن بود.

در اواخر سال ۱۹۴۸ صدراعظم شاه محمودخان به واشنگتن سفر نمود و با وزیر خارجه وقت جورج مارشال دیداری بهم رساند. صدراعظم شاه محمودخان بر موضوع کمک های نظامی به افغانستان بسیار تأکید ورزید. جورج مارشال از تأکید بسیار زیاد شاه محمودخان به حیرت افتاد و سوال نمود که دشمن شما کیست؟ شاه محمودخان جواب داد که روسها. مارشال بر این فکر شاه محمودخان، که افغانها احتمالاً با قدرت نظامی روسها مقابله خواهند نمود، خنده ریشخند آمیزی کرد. شاه محمودخان این توهین به غرور خود را به خاموشی تحمل نمود و گفت که برای امنیت داخلی هم به اسلحه ضرورت دارند و اگر امریکا موافقه نکند آنها از روسیه شوروی کمک نظامی را بدست خواهند آورد. مارشال در جواب گفت که مسلمانهای خوب، مانند افغانها، هیچوقت از روسهای بی خدا طالب کمک نمی شوند. شاه محمودخان در جواب گفت که در دین اسلام در وقت ضرورت خوردن گوشت خوک هم جایز است.

### Poullada P133

( گوشت خوک غذای بسیار معمولی و عمومی مسیحیان است. جورج مارشال باید از جواب فی البدیهه شاه محمودخان قهر و خجالت خود را با زحمت تمام بلعیده باشد. جهانی)

معاون وزارت خارجه امریکا در امور شرق نزدیک و آسیای جنوبی **George McGhee** جورج مگی در خاطرات خود از همچو یک توهین دیگری بمقام افغانی مینویسد: قبل از رفتن به کابل، یک واقعه دیگری رخ داد و آن اینکه رفیق دیرینه ما سفیر افغانستان در واشنگتن محمدنعیم به وزارت خارجه آمد. او گفت که میخواهد در باره بدست آوردن کمک نظامی از ایالات متحده با من بحث کند. او در لابلای صحبت گفت که اگر ایالات متحده کمک نظامی را از افغانستان دریغ نماید ما مجبور خواهیم شد که در زمینه با روسها به تماس شویم. من احساس نمودم که او میخواهد مرا بترساند چون می فهمیدم که برای افغانستان کمک نظامی از روسها یک مفکوره بپجاست. دفعته تلفون را برداشتم و از سکرتر خود نمره سفارت روسها خواستم. سکرتر من نمره را داد و من هم تسلیم محمدنعیم خان نمودم و هر دوی ما خندیدیم. **McGhee, Envoy to the Middle World P304**

در ماه جون ۱۹۴۹ افغانستان کوشش نمود که پیشنهادی مبنی بر خواستن کمک های نظامی به حکومت امریکا تسلیم نماید. وزارت خارجه امریکا به سفارت خود در کابل هدایت داد که مقامات افغانستان را بفهمانند که به هیچوجه در زمینه اقدام ننمایند. **Poullada P134**

پولادا به حواله نتیجه مطالعات سری وزارت دفاع امریکادرسال ۱۹۵۳ مینویسد:

د پانو شمیره: له 2 تر4

« افغانستان برای ایالات متحده هیچگونه اهمیت ستراتیژیک ندارد؛ زیرا در نزدیکی و ساحه نفوذ اتحاد شوروی قرار دارد. افغانستان ظاهراً مستقل از اتحاد شوروی است ولی اگر به موقعیت جغرافیایی و درک رهبران افغانستان از قدرت اتحاد شوروی نگاهی صورت بگیرد پیش بینی شده میتواند که اشغال افغانستان از طرف اتحاد شوروی معطل شرایط زمانی است. ازین هم بگذریم، افغانستان در راه رسیدن به نیم قاره هند قرار دارد و در اولین مرحله جنگ بین غرب و شرق از طرف اتحاد شوروی اشغال خواهد شد. حالت بیطرفی افغانستان تا وقتی دوام خواهد نمود که در آنکشور مخالفت با کمونیزم صورت نگیرد زیرا تحریک ضد کمونیزم در افغانستان اتحاد شوروی را به حمله بر آنکشور وادار و تحریک می نماید.

### شورای امنیت ایالات متحده نظر مشابه داشت و میگفت:

کرمیلین ظاهراً افغانستان را آنقدر اهمیت نمیدهد که به دردرس بیارزد و خواستار توجه جدی باشد. آنها فکر میکنند که هر وقتی مسئله کدام هدف بزرگ مطرح شود افغانستان را به زودی و آسانی از سر راه خود برداشته میتوانند. در این جای شکی نیست که اگر افغانستان مقاومت هم نشان بدهد از طرف اتحاد شوروی به آسانی اشغال شده میتواند. در صورت حمله بر افغانستان، احتمال دارد که بعضی قبایل در مقابل اتحاد شوروی مقاومت نمایند. « Ibid 146-147

در اکتوبر سال ۱۹۵۴ دویت ایزنهاور رییس جمهور امریکا شد و داوود خان فکر کرد که شاید پالیسی امریکا در قبال افغانستان تغییری یافته باشد. داوود خان یک بار دیگر به واسطه سفیر خود در واشنگتن کبیرلودین با وزیر خارجه امریکا جان فوستر دلس John Foster Dulles تماس گرفت و موضوع کمک نظامی امریکا را با افغانستان مطرح نمود. وزیر خارجه امریکا در ۲۸ دسمبر جواب داد:

« بعد از غور نمودن بر درخواست شما باید بگویم که گرفتن کمک نظامی از امریکا بحال افغانستان فایده ای نخواهد داشت و مشکلاتی را که خلق مینماید با کمک نظامی امریکا حل شده نمیتواند. بهتر آن خواهد بود که افغانستان به عوض درخواست اسلحه از امریکا مسئله پشتونستان را با پاکستان حل نماید»

پولادا مینویسد که یکی از علل این مکتوب اخیر شاید آن بود ه باشد که وزیر خارجه امریکا پیغام سری افغانستان را با سفیر پاکستان امجدعلی مطرح نموده بود. دلس گفته بود که افغانستان به خاطر درخواست اسلحه مینماید که میگوید افغانها با کمونیزم ضدیت دارد؛ اگر مسئله چنین است و افغانها همه بر ضد کمونیزم هستند درین صورت از کمونیزم ترسی نباید داشت. وقتی افغانستان مطلع گردید که وزیر خارجه امریکا، با تخطی اشکار از اصول دیپلوماتیک، پیغام سری انکشور را با سفیر پاکستان مطرح نموده است توهین را احساس نموده و مأیوس گردیدند. در ماه جنوری ۱۹۵۵ داوود خان پیشنهاد کمک نظامی اتحاد شوروی را، که از دیر زمانی خواستار آن بودند، منظور فرمود. Ibid P149

کمک ها و فعالیت های مالی اتحاد شوروی با افغانستان این کشور را بیشتر و بیشتر وابسته به اتحاد شوروی میساخت و بیم آن میرفت که افغانستان شاید به زودی از لحاظ نظامی هم وابسته بدان کشور گردد. بعد از امضای موافقه اقتصادی با شوروی، داوود خان یک بار دیگر از ایالات متحده خواستار اسلحه تقیله شد ولی واشنگتن باز هم درخواست افغانستان را نپذیرفت. چون افغانستان هر روز با دشمنی پاکستان دست به گریبان بود، لویه جرگه آن کشور در ماه اگست سال ۱۹۵۶ به حکومت اجازه داد که از هر منبع و کشوری که میتواند اسلحه و کمک نظامی بدست آورد. داوود خان بعد از این فیصله لویه جرگه موافقه نظامی را با اتحاد شوروی اعلام نمود. Roberts P 206

به این صورت می بینیم که نه افغانستان مخالف شامل شدن در پیمان های نظامی بوده و نه به حکومت افغانستان، بشمول حکومت داوود خان، زمینه بدست آوردن کمک های نظامی از غرب، بخصوص امریکا، فراهم شده است. افغانستان وارد عصری شده بود که جهان میدان مسابقات تسلیحاتی شده بود. افغانستان، مانند سایر ممالک همجوار و دور و نزدیک، مجبور به خریداری و داشتن اسلحه عصری بود. قسمیکه در سطور بالا دیدیم، از شروع دهه چهارم قرن بیست، افغانستان چندین بار طالب کمک نظامی از امریکا شد ولی نه تنها جواب مثبت نشنید بلکه با توهین مقامات نیصلاح مواجه گشت. هرکسی عوض داوود خان میبود از همسایه شمال کمک نظامی میگرفت و این پیاله زهر را مینوشید.

در سطور بالا دیدیم که حکومت افغانستان چطور دروازه های حکومت غرب، بخصوص امریکا، را برای کمک های مالی و نظامی می کوبیدند ولی مقامات امریکایی نه تنها اینکه به درخواست های مشروع افغانها جواب مثبت ندادند بلکه سفراء و وزاری این کشور را به باد تمسخر می گرفتند و توهین مینمودند ولی وقتی قلم را بدست میگیرند با چه دیده درایی به دروغ بافتن متوسل میشوند. گویا غیر فرشته های نجات چیز دیگری نبوده اند. همان جورج مگی که سفیر افغانستان در واشنگتن سردار محمدنعیم خان را توهین نموده بود وقتی در باره افغانستان مینویسد چنین ادعا میکند: « ما به یقین میخواستیم که افغانستان بحیث یک کشور مستقل به حیات خود ادامه بدهد و اقوام مختلف باشند آن کشور با هم مستحکم بماند، ثبات خود را حفظ نماید و با کشورهای همسایه پاکستان و ایران روابط خوب داشته باشد و در آن کشور پیشرفتهای سیاسی و اقتصادی بصورتی انکشاف کند که متضمن داشتن روابط خوب با دیموکراسی جهان غرب باشد و از اتحاد جماهیر شوروی فاصله بگیرد.

در سال ۱۹۵۱ حکومت دیکتاتوری و اشرافی افغانستان تحت ظاهرشاه برای بیست سال آرامش و ثبات خود را حفظ نمود و تدریجاً به آزادی ابراز عقاید سیاسی اجازه داد. حکومت افغانستان تا الحال با کمک های نظامی و خریداری اسلحه از ایالات متحده هیچ علاقه ای نشان نداده است. تا جاییکه ما میدانیم، از برکت هوشیاری و بیداری حکومت افغانستان و تنفر مردم از مفکوره کمونیزم در آن کشور کدام سازمان مهم کمونیستی وجود ندارد. ایالات متحده با کمک های محدود خود کوشش نموده است که افغانستان واردات خود را هرچه کمتر و کمتر نموده و رشد اقتصادی نماید. ما در سال ۱۹۴۸ به افغانستان پیشنهاد یک قرارداد دوستی و تجارتي نمودیم ولی قبول نشد چون افغانستان میترسید که مبادا امضای چنین قرارداد ها اتحاد شوروی را تحریک نموده و خواستار امتیازات مشابه شوند. McGhee PP 303-304

## مأخذ

- 1: Dupree, Louis. Afghanistan. 1980 Edition.
- 2: Roberts, Jeffery. The Origins of Conflict in Afghanistan. London 2003.
- 3: Poullada, Leon and Leila Poullada. The Kingdom of Afghanistan and the United States 1828-1973. United States 1995.
- 4: McGhee, George. Envoy to the Middle World. U.S.A 1969.

---

د پانو شمېره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپرلو مخکې په ځير و لولئ